تحلیلی بر سریال های
شبکه های ماهواره ای

نویسنده: م.ی



توطئه ای جدید علیه امت اسلام
سیاست های پشت پرده
اضمحلال اخلاقی
تخریب بنیان خانواده
کارگاه های آموزش خیانت و بی بند و باری
ترویج افکار غرب
استثمار نوین

تحلیلی بر سریال‌های ماهواره (شبکه‌های جیم، فارسی‌وان و...)

خواهش می کنم این مطالب را به دست ماموستایان و مولوی‌ها و داعیان و معلمان و اساتید و همه‌ی روشنفکران و دلسوزان جامعه برسانید و با صراحت تمام، این حقیقت تلخ و دردناک را به آن عزیزان بفرمایید:

تا شما در مسجد پنج جوان را به سمت دین و اخلاق متمایل می‌سازید (به امید اینکه خانواده‌ی خود را نیز به سمت شریعت الهی بیاورند)، تا شما در دانشگاه‌ها و مدارس، اخلاقیات را به پنج جوان آموزش می‌دهید، فیلم‌ها و سریال‌های طولانی ماهواره‌ای به صدها و هزاران خانواده‌ی ما، خیانت و بی‌بند وباری و مفاهیم نادرست آموزش می‌دهند و با این شگرد، زحمات و بزرگوارهای شما را بی‌نتیجه می گذارند، لذا مسئله بسیار مهم است، امیدوارم همه‌ی مخاطبان عزیز مطالب زیر را به دقت مطالعه بفرمایند قابل ذکر است که تمامی مطالب به صورت خلاصه وار و با ادبیاتی ساده نگاشته شده است(تا هم موجب کسالت خوانندگان محترم نگردد و هم برای اقشار مختلف قابل فهم باشد)

سخن اول:

قورباغه‌ی آب‌پز

اگر قورباغه را به یک‌باره در آب جوش بیندازیم به خاطر داغی آب بلافاصله از دیگ بیرون می‌پرد ولی اگر ابتدا قورباغه‌ی زنده را در آب "ولرم" داخل یک دیگ بگذاریم و سپس کم‌کم شعله را زیاد کنیم، به علت خونسرد بودن، دمای بدنش را همراه با دمای آب تغییر می‌دهد و متوجه داغ شدن آب نمی‌شود تا اینکه زنده زنده می‌پزد و می‌میرد.

اگر خانواده‌های ما سالها قبل، یک زن با پای لخت را در نوار ویدئو یا فیلم هندی یا فیلم ایران قدیم (زمان شاه) مشاهده می‌کردند، بلافاصله آن را چند ثانیه به جلو می‌بردند تا اعضای خانواده آن را نبینند.

اگر در فیلمی یک پسر و دختر دست هم را می‌گرفتند ما فرزندان استرس می‌گرفتیم که وای پدرم اینجا نشسته است، و پدر و مادرمان استرس پیدا می‌کردند که وای فرزندانم اینجا نشسته‌اند.

ولی الآن چه؟

چه چیزی مانده که جلو چشمانِ ما انجام ندهند و ما خانوادگی و دسته‌جمعی آن را نبینیم، از بوسه و ملاعبه گرفته تا همبستری.

نتیجه گیری:

اگر یک‌باره این صحنه‌ها را به خانه‌های ما می‌آوردند بی‌شک مقابله می‌کردیم، ولی اکنون در لعابی زیبا و در قالب فیلم و سریال‌های عاشقانه!!! ما را دعوت کرده‌اند به دیدن دسته‌جمعی! (نه انفرادی) این صحنه‌ها.

برادر و خواهر و زن داداش و پدر شوهر و عروس و... نشسته‌اند و دارند به صحنه‌ای نگاه می‌کنند که زن و مرد در رختخواب ملاعبه می‌کنند!!

دقیقا مانند آن قورباغه‌ی نگون‌بخت. اگر بلافاصله آن را در آب جوش می‌انداختند بیرون می‌پرید و این همه گرما را بر نمی‌تابید ولی...

تذکر:

عده‌ای می‌گویند در گذشته چنین تفکری وجود داشت ولی بعدها دیدند که قورباغه در هر حال بیرون می‌پرد، اولا قرار نیست همه‌ی قورباغه‌ها اینگونه باشند، دوما نتیجه‌ی اخلاقی ماجرا برای ما مهم است نه چیز دیگر.

سخن دوم:

تصور کنید که ما یک خواهر کوچک، یا یک دختر ۵ ساله داریم، در بیرون از خانه اجازه می‌دهیم با چه کسانی ارتباط داشته باشد؟ با چه کسانی بازی کند؟ به حرف چه کسانی گوش دهد؟

هستند خانواده‌هایی که اصلا اجازه نمی‌دهند دختر کوچک‌شان با کسی ارتباط داشته باشد ولی اکثر خانواده‌ها به او اجازه می‌دهند که با یکی از دختران هم سن و سال خودش، (حالا از بین فامیل‌ها یا همسایه‌های معتمد) ارتباط داشته باشد و بازی کند.

یا در کوچه با چند دختر هم سن و سال خودش بازی کند، زیرا دنیای آنها تعریف شده است، عروسک و اسباب‌بازی و خانه‌ی کوچک درست کردن و چادر سَر کردن و از خانه میوه می‌برند و ...

(که متاسفانه الآن همه در کوچه مشغول تبلت می‌شوند! و بازیهایی نصب کرده‌اند که آموزش آرایش کردن و... می‌باشند، بحث ما ماهواره است به وقت خود به این مسائل هم می‌پردازیم إن شاء الله)

ولی....

آیا هیچ خانواده‌ای اجازه می‌دهد که دختر کوچک‌شان با یک بیوه‌زن ۴۰ ساله‌ی افاده‌دارِ بی‌حجاب بگردد!!!

آیا هیچ خانواده‌ای اجازه می‌دهد که دختر کوچک‌شان با دو زن بنشیند که به شوهرشان خیانت کرده‌اند و دارند نقشه می‌کشند که چگونه دوباره خیانت کنند؟

آیا هیچ خانواده‌ای اجازه می‌دهد که دختر کوچک‌شان با دختری بنشیند که به رقص می‌پردازد و آرایش غلیظ می‌کند و دوستِ پسرش را در آغوش می‌گیرد و ...

هر کس این امور را برای دختر کوچک خود روا بداند خیلی بی‌انصاف است، این طفل معصوم دارد دوره‌ی الگوپذیری خودش را طی می‌کند.

عزیزان بخاطر دائمی بودن(صبح و نهار و شام و عصر و نصف شب و...) ، این فیلم‌ها نقش رفیق را برای اعضای خانواده‌های ما بازی می‌کنند. مگر رفیق شاخ و بال دارد؟ رفیق کسی است که با او می‌نشینیم و می‌گردیم و از او یاد می‌گیریم! مگر اینها اینگونه نیستند!

جالب اینجاست که در دنیای حقیقی، ما هم می‌توانیم بر رفیق خود تاثیر داشته باشیم، ولی در این فیلم‌ها به صورت یک‌طرفه فقط آنها به آموزش می‌دهند!!! هر چه را که بخواهند!

ما اکثرا به رفیق‌هایمان اجازه نمی‌دهیم که به داخل خانه بیایند، و دمِ در با آنها خداحافظی می‌کنیم مگر چند رفیق به صورت استثنا (که خیلی صمیمی و مطمئن هستند) ولی رفیق‌های جدید (فیلم‌های ماهواره) همیشه در درون خانه

نشسته‌اند و دارند جلوی چشم ما تئاتر آموزنده بازی می‌کنند، بچه‌های ما مانند سی‌دی خام هستند و هر چه بخواهند به آن منتقل می‌کنند!

عزیزان کودکی خود را بیاد بیاورید (من هم دهه‌ی شصتی هستم) داداش کایکو نماد شجاعت، می‌تی کومان نماد عدالت، سوباسا نماد تلاش و جوانمردی، آنِ شرلی نماد یک دختر رنج‌دیده و مقاوم، حنا در مزرعه نماد یک دختر پاک و درستکار و...

همه‌ی اینها در روح و روان ما ثبت شده‌اند، چون دوره‌ی کودکی دوره‌ی الگوپذیری است.

ولی الآن چه؟ .. چه کسانی الگوی پسران و دختران ما هستند؟

* فاطما گول!! الگوی دختران ما

* خرم سلطان الگوی دختران ما

* سَمر الگوی دختران ما

* چشم دوختن به زن‌عمو، الگوی رفتاری پسران ما

* چشم دوختن به پیرزن‌های خوشکل و خیانتِ جنسی، الگوی رفتاری پسران ما

به خاطر خدا، جامعه‌ی ما را به کجا می‌برند!!! چه بلایی بر سر امت رسول‌الله ﷺ می‌آورند!

به خدا دوست دارم لپ‌تاپم را خاموش کنم و ادامه ندهم، به خدا بغض گلوی انسان را می‌گیرد برای این بچه‌های معصوم که هر روز این خزعبلات را مکارانه به ذهن آنها تزریق می‌کنند و تاسف‌بارتر از هر چیز: ما اولیاء، دَم نمی‌زنیم و تصور می‌کنیم که فرزندانمان در امنیت کامل هستند!!!

یک سؤال از پدران و مادران:

اگر شخصی به بچه‌ی کوچک ما تریاک تعارف کند چه واکنشی نشان می‌دهیم؟ این سؤال فکر کردن ندارد، چنان برخورد شدیدی انجام می‌دهیم که قابل توصیف نیست. حال این تریاک جسم است، چرا وقتی برای بچه‌های ما تریاک روح تعارف می‌کنند دَم نمی‌زنیم؟ چرا با آنها می‌نشینیم و سرنگ و آتش هم گذاشته‌ایم و لذت می‌بریم!!!

به خدا این فیلم‌ها تریاکِ روح هستند، پدر و مادرها ! مگر شما بچه‌های‌تان را دوست ندارید؟ مگر به آینده‌ی آنها چشم ندوخته‌اید!

بچه‌های ما الآن نوآموز هستند، هر چه ببینند آن را تکرار می‌کنند و در ذهن و روح و روانشان تکرار می‌گردد، هر مسئله‌ای الآن ببینند به ضمیر ناخودآگاه‌شان منتقل می‌گردد...

نتیجه‌گیری:

آنها از نقش تخریبی رفیق بر روحیه‌ی کودکان و نوجوانان خبر دارند، لذا افرادی را مامور کرده‌اند تا در قالبی بسیار زیبا رفیق بچه‌های ما شوند و مثل مار آنها را نیش بزنند، رفتارها و اعمالی را به آنها بیاموزند و آنها هم مثل بچه‌های خوب این رفتارها را بر زندگی خود پیاده کنند.

پدر و مادرها بدانید! در دنیای جدید، در عصر تکنولوژی، رسانه هم نوعی رفیق است. مواظب باشید که اعضای خانواده‌تان با چه کسانی رفاقت می‌کنند و آموزش می‌بینند.

سخن سوم:

بیش از ۲۰۰۰ سال پیش امپراطوری‌های چین، دیواری ۷۰۰۰ کیلومتری ایجاد کردند تحت عنوانِ دیوار چین. ارتفاع آن به ۱۰ متر می‌رسد و پهنای آن به اندازه‌ای است که چهار اسب می‌توانند همزمان از روی آن عبور کنند (و به پایین سقوط نکنند)، البته هر بار پادشاهان مختلف دیوار را توسعه داده‌اند و هم اکنون ۵۰ هزار کیلومتر طول دارد، این دیوار از کوه‌ها و مزارع و باتلاق‌ها و... گذر کرده است. برج‌های آتش را در مقاطعی از طول دیوار احداث کرده‌اند، به طوری که هرگاه در این برج‌ها آتش روشن می‌کردند مردم چین متوجه می‌شدند (از این طرف دیوار) که جنگ شروع شده است، به هر حال این دیوار طولانی‌ترین و بزرگترین سازه‌ی مهندسی تدافعی نظامی از لحاظ زمان ساخت در جهان است.

تصور کنید، در زمانی که جنگ ملت‌ها با شمشیر و کمان و نیزه بوده است، دیواری این‌چنینی چه تاثیر به سزایی در محافظت از خاک یک کشور داشته است.

اما جالب است که بدانید بلافاصله پس از ساخت این دیوار، کشور چین بارها از دشمنان شکست خورد، چرا ؟؟؟

زیرا هر بار مغول‌ها (در مرزهای شمالی) سربازان و نگهبانان چینی را فریب می‌دادند و با وعده وعیدهای پوشالین آنها را تطمیع می‌نمودند. این بار نگهبانان خود، در را برای ورود دشمن باز می‌کردند!!! (چینی‌ها دیواری محکم ساختند ولی نگهبانان ضعیفی روی دیوارها گماشته بودند).

(شکست‌های کشور چین و رد شدن دشمنان از دیوار قطعی است، ولی رد شدن به این شیوه، یعنی فریب نگهبانان و باز کردن دروازه‌ها را در حکایت‌ها شنیده‌ام، ممکن است صحت هم نداشته باشد ولی نتایج اخلاقی بسیار زیادی به همراه دارد)

اما چه ارتباطی با موضوع ما دارد؟

بزرگواران، در شریعت زیبای اسلام، بانوان مدیرِ خانه هستند، بانوان نگهبانان خانه‌ها می‌باشند.

دشمنان خیلی وقت است که به این حقیقت دست یافته‌اند که نمی‌توانند از دیوارِ ایمان ما عبور کنند، آنها تاریخ را خوانده‌اند و می‌دانند که سلطان صلاح‌الدین رحمه‌الله چگونه صلیبیان را در هم شکست، آنها به این حقیقت رسیده‌اند که سیف‌الدین قطز رحمه‌الله چگونه افسانه‌ی شکست‌ناپذیر بودن مغول‌ها را به توهمات تبدیل کرد.

در نتیجه به صورت بسیار حیله‌گرانه می‌خواهند نگهبانان ما، خود با دستان خود درب را به روی آنها باز کنند! تا از این طریق به راحتی ما را شکست دهند.

این فیلم‌ها نگهبانان خانه‌ها، یعنی خواهران و مادران ما را فریب می‌دهند، بر کسی پوشیده نیست که اصلاح یک زن به منزله‌ی اصلاح یک تمدن است، زیرا نقش زن‌ها بسیار کلیشه‌ای و با اهمیت است. آنها هستند که تمام مردان و زنان جوامع بشری را تربیت می‌کنند.

لذا دشمنان دقیقا این فیلم‌ها را برای زنان پخش می‌نمایند. مردها که همیشه سرِ کار هستند! و خانم‌ها هنگام آشپزی و استراحت و نظافتِ خانه و... به تماشای این فیلم‌ها می‌نشینند.

بیایید از خود بپرسیم زنی که اخلاقش به زوال رفته باشد چگونه می‌تواند به تربیت شیرمردان و شیرزنان آینده‌ساز بپردازد؟!!

بروید یک بار دیگر تاریخ را بخوانید و مشاهده بفرمایید که چگونه اندلس را از دست مسلمانان خارج نمودند...

به صورت رایگان در بین جوانان مشروبات الکلی پخش می‌کردند! زنان و دختران مسیحی بصورت نیمه‌لخت در مکان‌هایی جمع می‌شدند و به تفریح و شادی می‌پرداختند و جوانان ما به دیدار این لحظات می‌شتافتند!!! کار به جایی رسیده بود که فقط پیرها به مساجد می‌رفتند. این بار (بعد از پوسیده کردن از درون) حمله کردند و باز هم فتنه نمودند و مسلمانان بخاطر طمع‌ورزی و اختلاف بر سر تقسیم غنایم!!! و... دچار انحراف و سستی شدند...

و آن اراده‌ی پولادین را از امت اسلام در اندلس گرفتند و پیروز شدند و این بار شروع کردند به کشتار و غارت و نسل‌کشی معترضین!! و این چنین اندلس مرکز علم و دانشِ مسلمین، تبدیل به اسپانیای مسیحی شد!

نتیجه گیری:

آنها می‌خواهند خانواده‌ها را از درون پوسیده کنند. چرا هزینه‌ی خرید سلاح و مهمات را بر خزانه‌های خود تحمیل کنند؟ چرا سربازان و هموطنان خود را به کشتن دهند؟ زمانی که مجرای بسیار راحت و سهل‌الوصول‌تری وجود دارد!

متاسفانه به وسیله‌ی این شبکه‌ها، اخلاقیات و ارزش‌های اسلامی را درون خانواده‌های‌مان نابود می‌کنند. جمع این خانواده ها می‌شود جامعه، جمع این جوامع می‌شود امت اسلام! به همین سادگی!

سخن چهارم:

اگر روند مشاهده‌ی این فیلم‌ها ادامه پیدا کند، چه عواقبی در انتظار جامعۀ ماست؟

به علاوۀ تمام مطالبی که در پیشتر عرض شد، متاسفانه این فیلم‌ها نوجوانان ما را به جای تحصیل و مطالعه و تلاش، به عشق و عاشقی نابهنگام! سوق می‌دهند.

هر چیزی باید در زمان خود انجام شود، احساس عشق و تمایل به جنس مخالف یک ودیعه‌ی الهی است که در روح و روان انسانها گذاشته شده تا نسل بشری امتداد یابد، تا زندگی لذت‌بخش گردد و نزد آدمیان زیبا و معنادار جلوه نماید. ولی نباید از این حس برای بدبختی انسانها استفاده کرد! درواقع جز در هنگام ازدواج به دنبال این حس رفتن اشتباه است و بی‌شک منجر به صدمات جبران‌ناپذیری می‌گردد که برای همیشه در سایه‌روشن ذهن افراد باقی می‌ماند.

اما برای ازدواج باید فرد به بلوغ رسیده باشد...

توجه بفرمایید:

منظور بنده تنها بلوغ جنسی نیست، بلکه فرد باید به بلوغ جسمی، عقلی، اجتماعی و اقتصادی هم رسیده باشد. این فیلم‌ها نوجوانانی که فقط به بلوغ جنسی رسیده‌اند را به سمت ازدواج و تشکیل خانواده سوق می‌دهند!!!

این نوجوان پاک و معصوم و فریب‌خورده فعلا باید درس بخواند، دنبال تفریحات و کنجکاوی‌های دوره‌ی خود برود نه اینکه تبدیل شود به پدری خانه به دوش و مستاجر و بدهکار!!!

یا دختری خانه‌دار و شوهردار و بچه‌دار!!!

(برداشت نادرست نفرمایید بنده هر نوجوانی را نمی‌گویم، هستند افرادی که واقعا به توانایی‌های لازم دست یافته‌اند و باید در این دوره ازدواج کنند، ولی واقعا این قاعده عمومی نیست و به ندرت چنین افرادی در جامعه پرورش می‌یابند).

این فیلم‌ها در نوجوانان ما تمایل ارتباط با جنس مخالف ایجاد می‌کنند! هر پسر و دختری دوست دارد این همه اندیشه را به واقعیت تبدیل کند.

چون این فیلم‌ها در قالب سریال‌های بلندمدت و به صورت هر روزه پخش می‌شوند، فرد با آنها زندگی می‌کند، تمام آن شخصیت‌ها را به زندگی حقیقی خود وارد می‌کند، در مورد آنها سخن می‌گوید، به شخصیت‌ها و رفتارشان فکر می‌کند! که چرا این کار را کرد، خدایا در قسمت بعدی چکار می‌کند؟!

من خانواده‌هایی را دیده‌ام که به حدّی وابسته شده‌اند که حتی تکرار فیلم‌ها را هم نگاه می‌کنند و برای صحنه‌های نوستالژیک این سریال‌ها اشک‌ها می‌ریزند و حسرت‌ها می‌خورند!

جالب است که در زندگی خود به حول و قوه‌ی الهی هیچ مشکلی ندارد، ولی تمام آن روز را در افسردگی به سر می‌برد! چرا؟ چون مادرشوهر فلان زن در فلان فیلم، عروسش را خیلی مورد اذیت و آزار قرار داد!!!

احساسات نوجوانان ما را بصورت بالقوه برانگیخته می‌کنند! و همین می‌شود که دختر و پسر نونهال ما دوست دارد عملا وارد این حوزه شود و...

دردناک‌ترین موضوع:

فکر می‌کنید با ازدواجِ نوجوانان، همه چیز تمام می‌شود؟

فکر می‌کنید وقتی این شیادان، نوجوانان ما را از فرصت تحصیل و تخصص‌گرایی باز داشتند، دیگر مشکل جامعه حل می‌شود؟ و هر کس سراغ زندگی خودش می‌رود؟!!

نه عزیزان ساده نباشید:

این بار، آنها را به سمت خیانت سوق می‌دهند، خیانت جنسی، عاطفی، خانوادگی...

در کمال تاسف باید به شما بگویم که پروژه‌های آنها بلندمدت است. آنها به این سادگی دست‌بردار نیستند، این بار زن را در مقابل مرد قرار می‌دهند، مرد را به‌سوی خیانت سوق می‌دهند! زن به دیدار معشوقه‌های سابقش می‌رود! توجه پسران جوان به جای زن‌های خود به زنان میان‌سال معطوف می‌گردد، زن‌های میان‌سال هم عاشق این گونه پسرها می‌شوند، زن‌های جوان عاشق پیرمردهای پولدار می‌شوند، مشروب خوردن و خیانت کردن به یک امر بدیهی تبدیل می‌شود و...

در یک کلام تا امت محمد مصطفیﷺ را از پای در نیاورند و آن را خوار و ذلیل نکنند و خود سرور آنها نشوند دست‌بردار نیستند!

نتیجه‌گیری:

آنها می‌کوشند که جگرگوشه‌های ما را هوایی کنند، نسلی تربیت کنند که بزرگترین دغدغه‌شان ازدواج باشد در اوان کودکی و نوجوانی! اما پس از ازدواج، بزرگترین دغدغه‌ی آنها خیانت باشد و طلاق و جدایی و در نهایت فحشا بعد از طلاق!!! و نابودی جامعه‌ی مسلمین.

سخن پنجم:

چاره چیست؟

آیا همین‌طور بنشینیم و دست روی دست بگذاریم؟

همه بر این قول متفق هستند که بیان درد راحت است و صرفا با بیان آه و ناله نمی‌توان مشکلات اجتماعی را حلّ و فصل نمود لذا باید راهکار مناسبی نیز در زمینه‌ی رفع مشکلات ارائه داد.

بزرگواران! برای برون‌رفت از باتلاق ایجادشده، بنده راهکار زیر را معرفی می‌نمایم، باشد که با استعانت از پروردگار متعال، ریشه‌ی این مشکل را از جامعه‌ی توحیدی و شریعت‌مدار خود برچینیم و دسیسه‌ی شوم دشمنان را به خودشان بازگردانیم، کاری کنیم که تیرشان به خطا رود و جز ضرر و زیان مالی و حیثیتی دستاورد دیگری از این برنامه‌های معاندانه نداشته باشند.

بنده معتقدم که مردم جامعه‌ی ما از ضرر این فیلم‌ها مطلع نیستند وگرنه هرگز حاضر نیستند برنامه‌ی یک دشمن را روی خانواده‌ی خود اجرا کنند به همین دلیل باید مردم شریف و عزیزمان را مطلع سازیم.

کلید حلّ این مشکل در جامعه‌ی کنونی ما در دست این دو گروه می‌باشد:

الف) افراد تحصیل‌کرده و آکادمیکِ جامعه (اساتید، معلم‌ها، دانشجویان و دیگر اقشار تحصیل‌کرده)

ب) معتمدان جامعه (عالمان دین و واعظان و ریش‌سفیدان و...).

ما باید این دو قشر عزیز را متوجه خطرات و خسارت‌های این گونه فیلم‌ها نماییم، و آنها هم به راحتی می‌توانند جامعه را هوشیار سازند. متاسفانه بنده تا به حال افراد زیادی را دیده‌ام که از عملکرد نابجای خانواده‌ی خود عاصی بوده‌اند ولی خیلی صادقانه گفته‌اند که واقعا اختیار خانواده، دست ما نیست و کسی به حرف ما گوش نمی‌دهد!!! از طرفی نمی‌توانیم بی‌خیال شویم و بگوییم: بگذار هر چه بادا باد!

پاسخ ما به این شخص این است :

ممنون از صداقت شما، که با زبانی سلیس می‌گویید صاحبِ اختیار خانواده نیستید، در هر صورت فرد صاحب اختیار (حال پدرت باشد، مادرت یا برادرت) باید "تفهیم" شوند چون اگر از راه دیگری همچون زور و اجبار وارد شوید نه تنها مشکلات را حلّ نمی‌کنید بلکه گرفتاری‌های دیگری را هم ایجاد می‌نمایید.

اما چگونه سراغ تفهیم برویم:

برای تفهیم یا فهماندن موضوع به طرف مقابل باید از درِ حکمت و درایت وارد شد، برای فرد اهل منطق و استدلال و سواد باید از همین راه استفاده کرد یا سعی کنیم افراد تحصیل‌کرده را مطلع سازیم تا با او حرف بزنند، اما برای تفهیم افراد بی‌سواد و عوام جامعه باید از معتمدان محلی که در گروه دوم ذکر کردیم استفاده نماییم (زیرا معمولا این افراد اهل تحقیق نیستند و سخن فرد معتمد را اتمام حجت می‌دانند).

حال این تفهیم و تاثیرگذاری برای اعضای خانواده هم صدق می‌کند، اگر اهل منطق هستند که با روش خود و اگر منطق‌پذیر نیستند باید از راه افراد معتمد و نزدیک به ایشان، وارد عمل شویم.

به عنوان مثال اگر پدر دلسوزی احساس کند که دخترش به این فیلم‌ها وابسته شده است، و دوست دارد جلوی او را بگیرد و نمی‌داند چکار کند بایست نزد خانم معلم او یا استاد او برود و (در صورت نیاز) با ارائه این مطالب و توجیه خانم معلم از او درخواست نماید که با تاثیرگذاری فراوانی که بر دخترش دارد او را متقاعد سازد که دیگر به این فیلم‌ها نگاه نکند...

ولی اگر دخترش اهل منطق است و می‌تواند بر او تاثیر بگذارد خودش بدون نیاز به این کارها می‌تواند او را متقاعد کند.

ممکن است پدری ده روز مطلبی را برای پسرش شرح دهد و مدام او را نصیحت کند ولی او اصلا به پدرش گوش ندهد، اما فرد تاثیرگذار بر پسرش در بیرون از خانه، تنها با یک جمله بتواند او را قانع سازد. همان‌گونه که عرض شد متناسب با سن و شرایط و مقتضیات با بهره‌گیری از حکمت و دوراندیشی باید از راه‌های متفاوت بهره جست.

تذکر:

** فرد مورد نظر ما (دختر، پسر یا سرپرست) به هیچ عنوان نباید بفهمد که برای اصلاح او به دیگران رو انداخته‌ایم تا بروند و او را متقاعد سازند! زیرا اینگونه تصور می‌کند که تحقیر شده و حتی ممکن است کارمان نتیجه‌ی عکس هم داشته باشد.**

اینکه هر بار به شخصی بگوییم تا با فرد دیگری سخن بگوید و... کار سختی است همچنین برای پیشبرد اهداف بزرگ باید به صورت کلان و گسترده کار کنیم. لذا می‌توانیم نزد امام جماعت یا امام جمعه‌های شهر و روستاهای اطراف برویم (بعضی از روستاها خیلی شلوغ می‌شوند) و از آنها بخواهیم که این مطالب را به صورت تخصصی برای مردم بازگو نمایند. ارائه‌ی مطالبی که در بالا نگاشته‌ایم می‌تواند بسیار مفید باشد.

یا همین کار را در مدارس انجام دهیم، نزد مدیر مدرسه برویم و موضوع را مطرح نماییم تا او هم همه‌ی معلمان را توجیه نماید و آنها نیز این مطالب را به صورت بسیار جذاب و همه‌فهم برای دانش‌آموزان توضیح دهند.

یا نزد اساتید دانشگاه برویم و از آنها بخواهیم سمینارهایی با این موضوعات در دانشگاه برگزار نمایند.

طبق حدیث شریف پیامبرﷺ که می‌فرماید: "كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ" یعنی همه‌ی ما احساس مسئولیت داشته باشیم، به راحتی می‌توانیم مردم جامعه را بیدار کنیم تا هر چه سریعتر این شبکه‌ها را حذف نمایند و به مشاهده‌ی این همه کانال و برنامه و مطلب دیگر بپردازند.

نویسنده: محتاج دعای خیر شما

م.ی .... شهریور ۱۳۹۵

انتشار از کانال رد الحادی شبهه از شما،پاسخ از ما

@shobahat99